

سخن گفت که همگان از لایه لای آن صدای تحول و تغییر را شنیدند. کلینتون رئیس جمهور آمریکا و خانم آلبرایت رئیس دیپلماسی آن کشور، بار اول برنامه های خود را کنار گذاشته به تماشایش نشسته بودند، نه فقط فضای تازه ایران را به جهانیان وانمود که کریستین ایرانی الاصل را عنوان «بانوی اول رسانه های گروهی عالم» بخشید.

هواهای شاد را حضور چند روزنامه جدید انعکاس بیشتری داد، فردا، روزنامه ای بود که توسط احمد توفلی - سردبیر قبلی روزنامه رسالت و کسانیدانی که در انتخابات دومین دوره ریاست جمهوری هاشمی در برابر وی قرار گرفت - منتشر شد نوید حضور تفکری نوع دیگر را در میان جناح راست می داد. از آن «جامعه» به مدیریت حمیدرضا جلایی پور و سردبیری ماشاالله شمس الواعظین عنوان اولین روزنامه جامعه مدنی را می داد. این روزنامه به سرعت جای خود را در میان جوانان و روشنفکران گشود. «صبح خانواده» نیز نشریه ای بود که حکایت از رویکرد بخشی از روزنامه نویسان حرفه ای به مسائل اجتماعی داشت. این هر سه روزنامه گرچه عمر درازی نیافتند و تعطیل شدند ولی انتشارشان آغاز دوران تازه ای از روزنامه نگاری ایران تلقی شد. تا آن زمان بار حمایت از توسعه سیاسی بردوش سلام و همشهری بود که از آن میان «همشهری» با آغاز دستگیری شهرداران و به هم ریختگی شهرداری تهران زیر فشار مضاعفی قرار گرفته بود که حتی مجلسیان نیز در پی راه حلی برای آن بودند.

قوه قضائی که با سخنان تند و گاه توأم با عصبانیت آیت الله یزدی در مصاحبه ها و سخنرانی ها به بحث اول مملکت تبدیل شده بود، در بازداشت ۱۲ روزه دکتر یزدی دبیر کل نهضت آزادی، افشای ماجرای شهرداران مناطق تهران در مدت بازداشتشان، بازداشت مرتضی فیروزی (سردبیر ایران نیوز) و اکبر گنجی مدیر هفته نامه راه نو، بازداشت هوفر بازرگان آلمانی و محکوم شدن وی به اعدام در دادگاه اول، روزهای پرکاری را می گذراند اما بمب قوه قضائی وقتی منفجر شد

جمهوری به دنبال فرصتی برای بازسازی نیروهای خود بود، با تمام توان به میدان آمد و روز جمعه ای به عنوان دفاع از ولایت مطرح شد. امامان جمعه و مراکز مختلف از مردم دعوت به حضور در راهپیمایی های گسترده کردند. در این میان روزنامه های هوادار جناح راست، از دفتر تحرکیم وحدت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی می پرسیدند که چرا با شدت و حدت آنها به میدان در نمی آیند، اما روز پیش از آن آیت الله خامنه ای در یک سخنرانی ضمن برشمردن مشخصات دشمنان و این که دشمن اصلی - یعنی آمریکا و اسرائیل - را رها نمی کنیم و دچار اشتباه نمی شویم و با تأکید بر این که از حق خود می گذرم ولی از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهم کرد از مردم خواستند «طبق قانون رفتار شود و هیچ حرکت غیرقانونی صورت نگیرد و کسی خیال نکند که برود و به خیال خود کسی را مجازات کند. نه، به عهده قانون است» سخن بازتر برای هاشمی رفسنجانی ماند که در یکی از مهمترین خطبه های خود در نماز جمعه تهران به تشریح روند انتخاب رهبری در مجلس خبرگان پرداخت، جواب مخالفان را داد و در نهیایت با لحن آرامش جو از متقددان خواست اگر پیشنهاد اصلاحی دارند بدهند تا بررسی شود. اشتباه هائی که در این روزها رخ داد دیگر تکرار نشود، دولت جدید می خواهد کارش را شروع کند و لازم است آرامش باشد.

خبر بد پایان یافت، گرچه عده ای در قم بازداشت شدند اما مملکت آرامش گرفت تا به استقبال خبر خوب برود که برپائی کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران بود، شکست نامنتظر تیم ملی فوتبال ایران در قطر - که حضور این تیم را در مسابقات جام جهانی تقریباً غیرممکن می کرد - و به هیجان آمدن مردم علیه مسئولان ورزش هم توانست شیرینی برپائی آبرومند این کنفرانس را از یادها ببرد، به ویژه که همزمان با آن بمب سیاست خارجی ایران ترکیب، رئیس جمهور خاتمی در مصاحبه ای با کریستین امانیور سرگزارشگر شبکه ماهواره ای سی.ان.ان با زبانی با جهانیان

نخستین جلسه مجلس، حجت الاسلام فاکر نامه ای را قرائت کرد (مشهور به نامه شش و یک) به خط امام خمینی خطاب به آقای منتظری. این نامه در همه سال های گذشته مکتوم مانده بود و حتی ری شهری وزیر وقت اطلاعات در خاطرات سیاسی خود به اشاره ای درباره آن بسنده کرده بود، روز بعد مرکز نشر اسناد امام، متن قرائت شده فاکر را بدون اعتبار خواند و نامه اصلی را منتشر کرد.

در این هنگام در قم راهپیمایی ر سخنرانی بود که سرانجام به حمله به دفتر و خانه آقای منتظری و آذری قمی کشید، گاز اشک آور و گلوله های هوایی هم چاره نشد، عده ای حسینه و دفتر آقای

خوبی برای بعضی از امامان جمعه شهرستانها و نمایندگان مجلس نبود که با چهره هایی در مقام اجرایی روبه رو شوند که همفکرشان نبودند.

اما صد روز نخست با خبری بد و خبری خوب برای دولت و نظام توأم بود. اول از همه خبر بد رسید و آن سخنان و نامه های آیت الله آذری قمی و آیت الله حسینعلی منتظری بود که هر دو اباعبدی تازه به انتقادات خود داده بودند که پیش از آن نیز گهگاه مطرح کرده بودند. آقای منتظری بعد از عزل و کناره گیری از جانشینی رهبری در فروردین ۶۸ انتقاد می کرد اما این بار صحنه متفاوت بود. آقای آذری قمی در همه سه سالی که از دبیری جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و



غلامحسین کرباسی

منتظری را اشغال کردند، بلندگو گذاشتند، پارچه نوشتند و به آن «فتح لانه جاسوسی دوم به دست حزب الله» لقب دادند. فضای سیاسی کشور ملتهب بود و آکنش رئیس جمهور که شب هنگام در تلویزیون سراسری گفت «ولایت فقیه دیگر یک نظریه فقهی در کنار سایر نظریات نیست، اصل نظام است و در قانون اساسی ما هم آمده و مخالفت با آن هم مخالفت با نظام است» آبی بر آتش ها نریخت. جناح راست که به تحلیل مخالفانش بعد از شکست در انتخابات ریاست

زعامت جناح راست و مدیریت روزنامه رسالت کنار گذاشته شد (وی این عمل دوم را کودتایی علیه خود به زعامت ناطق نوری و مهدوی کنی اعلام کرده بود) ساکت نبود ولی این بار فراتر از پیش رفت. روزنامه های هوادار منت گرایان و جناح راست، انتقاد از سخنان قم را آغاز کرده بودند و جامعه مدرسین هشدار داده بود که در شب میلاد امیرالمؤمنین آیت الله منتظری در حسینه جنب خانه خودمسله رهبری و علمیت را پیش کشیده است به این ترتیب ضامن حوادث بعدی زده شد در

۱۳۷۷، سال مطبوعات استیضاح، قتل‌ها

محاکمه مطبوعاتی دیگری که گزارش آن به تمام جهان مخابره گشت مربوط به فائزه هاشمی و روزنامه زن بود، بنابه شکایت سردار نقدی فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی. زن، نخستین روزنامه در ایران. و به روایتی در تمام جهان. بود که مسائل زنان را پی می گرفت. خاتم فائزه هاشمی. در آن زمان نماینده تهران در مجلس. با سرسختی در مقابل شاکی ایستاد و در مقابل شهادتی را به محکمه آورد که نشان می داد خبری که در آن روزنامه منتشر شده افترای نبوده است. در پایان این ماجرا، روزنامه زن برای دو هفته تعطیل شد.

در ادامه کار و توقف روزنامه توس. که مهاجرانی وزیر ارشاد نیز موافقت خود را با آن اعلام داشت و از این جهت انتقادهای بسیار را به خود خرید. مجله آدینه پس از ۱۴ سال انتشار بنا به شکایت تشکیلات امر به معروف و نهی از منکر به محاق تعطیل افتاد، جامعه سالم مجله دیگری که به بی پروائی در طرح مباحث نظری اجتماعی و سیاسی مشهور شده بود برای همیشه تعطیل شد. شلمچه نشریه ای که به ارگان گروههای فشار شهرت یافته بود نیز در این میان امتیاز خود را از دست داد.

و در همین جا بود که احمد بورقانی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد استعفا داد و دیگر تاب نیارود جوری را که بر اهل قلم می رفت. او پیش از رفتن باقوه قضائی بر سر ماجرای روزنامه توس و توقیف آن درگیر شده بود. اهل قلم بر استعفای او افسوس خوردند. مراسم تودیعش نیز بی گفتگو نماند، او از اصرار خود بر توسعه سیاسی و از جمله آزادی بیان سخن گفت و خود را «چریک آزادی» خواند، دکتر مهاجرانی در نطقی که در مقام تجلیل از وی بیان کرد، در عین حال کنایه ای زد که دوران چریک بازی تمام شده

بحران قیمت نفت و کاهش آن در ابتدای سال دوم دولت خاتمی به پائین ترین حد خود در ۱۸ سال گذشته رسید، تأثیر این حادثه در سرمایه گذاریها و پروژه های عمرانی بیشتر خود نمایی کرد گرچه مسئولان اقتصادی کوشیدند تا با اظهارات آرام کننده از اثر روانی آن بر قیمت ها و تورم بکاهند، اما گزارشها از توقف بورس تهران و کاسته شدن از مواد اولیه کارخانه ها و تشدید مسئله اشتغال می داد.

هنوز کلمات امید دهنده رئیس جمهوری در سالگرد دوم خرداد، در گوشها بود که محاکمه مدیر جامعه. اولین روزنامه جامعه مدنی. آغاز شد. جامعه در عمر چهار ماهه خود تحولی در فضای مطبوعات ایجاد کرده بود که نگاهها را به دادگاهی برگرداند که در آن شکایت ها علیه این روزنامه مطرح می شد. این خود سرآغاز ماجرائی بود که در طول سال ادامه یافت. چنان که وقتی دست اندرکاران جامعه روزنامه توس را منتشر کردند، به سرعت تیراژی برابر با جامعه، بلکه افزون از آن یافتند و در این زمان بود که آیت الله یزدی خبر از تصمیم قوه قضائی برای مقابله با روزنامه های اصلاح طلب داد. به گفته وی حقوقدانان و مسئولان قضائی به این نتیجه رسیده بودند که علاوه بر مدیران مسئول، نویسندگان را نیز می توان به اتهام نوشتن مطالب تند تحت تعقیب قرار داد. چنین بود که وقت تعطیل روزنامه توس که فرمان آن را آیت الله یزدی در نماز جمعه صادر کرد و با حمله گروهی به دفتر این روزنامه آغاز شد، به دستگیری جلالی پور، شمس الواعظین و ابراهیم نبوی انجامید که به اتفاق جوادی حصار به زندان انفرادی افتادند و تنها یک ماه بعد که خاتم جلالی پور. مادر سه شهید. به فغان درآمد و آزادی تنها پسر خود را از رهبر انقلاب خواست، آنان آزاد شدند.

از این جناح و دیگری از جناح راست).

اما تا خرداد ۷۷ برسد هنوز روزهای نفس گیری برای اصلاح طلبان در پیش بود. محاکمه کرباسچی میلیون ها نفر را پای گیرنده های رادیو و تلویزیون میخکوب کرد، پیش از آن در تاریخ ایران، محاکمه ای تا بدین حد در سطح مردم مطرح نشده بود.

و درست در همان روزها، در قوه دیگری که مخالفان اصلاحات در آن اکثریت داشتند. مجلس. ماجرایی دیگری آغاز شد، استیضاح عبدالله نوری وزیر کشور به ماه غسل تعارف و لبخند بین مجلس و دولتیان پایان داد. در حادثه ای ناباور، جناح راست موفق شد و با شادمانی پیروزی خود را جشن گرفت در حالی که عبدالله نوری لبخندی به لب داشت ولی در صف دولتیان دکتر حبیبی سر خود گرفته بود و دکتر مهاجرانی مبهوت بود. ساعتی بعد، رئیس جمهور عبدالله نوری را به عنوان معاون خود در امور توسعه سیاسی منصوب کرد. تکرار واکنش هاشمی رفسنجانی در برابر رای های کبود مجلس به محسن نوربخش وزیر دارایی اش. نوری خود گفت «هشت ماه را هم تصور نداشتم که تحمل کنند» در این فضا فقط دو گل پیروزی تیم فوتبال ایران به تیم آمریکا می توانست چنان شادمانی در دل ها اندازد که جوانان تا صبح در شهرهای کشور نغمه خوان و رقصان در میدان آیند.

پس، اولین سالگرد دوم خرداد رسید. رئیس جمهور به میان جمع خروشان جوانانی رفت که عکس هایی از خاتمی و نوری و شعارهایی درباره جامعه مدنی و اصلاحات داشتند. هر چه کوشید آرامشان کند که شعار ندهند فایده نداشت اما سرانجام متانت محمد خاتمی که دیگر به عنوان پرچمدار اصلاحات تثبیت شده بود بر شورش جوانان چربید، شعارها از تندی افتاد و جای خود را به بیان آرامی داد که مخالفان در نهایت در آن چیزی نیافتند اما سوت و کف زدن جوانان چیزی بود که از آن نگذشتند.

که سرانجام و بعد از یک سال جنگ و گریز، غلامحسین کرباسچی را دستگیر کردند.

این بازداشت گرچه چند روز بیشتر طول نکشید و به دنبال نامه رئیس جمهور به مقام رهبری که در آن خبر از پدید آمدن بحرانی در مدیران دولتی می دادند، به دستور رهبر. در روز عید غدیر. از زندان آزاد شد، ولی حادثه مهمی بود نه فقط از آن روز که پیش بینی سال قبل کرباسچی به وقوع پیوست و او در اولین جا گرفت بلکه از آن رو که حجابی را که همواره بین هاشمی رفسنجانی و جناح راست وجود داشت از هم درید. هاشمی که چند روزی، قبل از دستگیری شهردار، وی را با خود به عربستان برده و صدای محافظه کاران را بلند کرده بود، در نماز جمعه از شعر یک شاعر عرب مدد گرفت تا بگوید کسانی که فقط روغن شفاف را می بینند نمی دانند بر سر دانه های کنجد چه آمده و آن بردن نامی از کرباسچی و گله ای از زندانی شدن وی از آنها که دلسوز انقلابند اما زندان ندیده اند و نمی فهمند زندان چیست، انفرادی چیست و خیلی آسان این کارها انجام می شود گلابیه کرد. و در این زمان بود که جمعی حاضر و آماده با فریاد «غارتگر بیت المال اعدام باید گردد» سخنان وی را بریدند. هاشمی مکشی کرد و به بحث دیگر پرداخت، این نخستین تعرض مستقیم به کسی بود که از ابتدای انقلاب، از این سو ناسزایی نشیده بود. اما تندتر از آن سخن رسولی نژاد نماینده جناح راست بود که در مجلس، مستقیم رئیس جمهور سابق را هدف گرفت و از وجود اسناد و مدارک گفت و برای نخستین بار از «مافیای سیاسی و اقتصادی» یاد کرد که در مملکت وجود دارد و بحث «آقازاده ها» را پیش کشید و با اشاره به انتصاب علی هاشمی به معاونت وزارت نفت «برادرزاده آقا» را نیز به آن افزود. فضا آرام آرام چنان تند شده بود که عقلای دو جناح در مجلس ترجیح دادند انتخابات میان دوره ای تهران یک مرحله ای شود و همان ها که در مرحله اول رای بیشتر آورده بودند در جای نوری و دکتر معین بنشینند (خانم کربوبی و... یکی



